

نظام مالیات و خراجگذاری در زمان هخامنشیان

علی اصغر میرزایی

مجله آموزش تاریخ
۱۳۸۲، شماره ۱۶، سال ۵

اشاره:

دولت هخامنشی از مقتدرترین دولت‌های جهان باستان است. اعتلا و بالندگی این دولت میسر نشد، مگر در سایه تلاش پادشاهان قدرتمندی چون **کوروش بزرگ**، **کمبوجیه**، **فاتح مصر**، و **داریوش بزرگ**. این حکومت جهانی را کوروش زمانی بنیان کرد که دیگر از دولت‌های بزرگ چون آشور و بابل خبری نبود. این دولت بر پایه و شالوده‌های دولت‌های پیشین ریخته شد، دولتی که مرکب از اقوام و ملت‌های گوناگون بود که هماهنگی و تجانسی با هم نداشتند. در سایه اقتدار او و بنیانگذار دومش، **داریوش بزرگ**، این امپراتوری چنان نظم نوینی به جهان داد که حتی فیلسوفان و مورخان یونان، چون افلاطون، هرودوت و... به تمجید از آن پرداختند.

قشر کم جمعیت پارسیان، در رأس این امپراتوری قرار داشت. آن‌ها برای اداره این سرزمین وسیع، از منشیان عیلامی و بابلی استفاده بسیار می‌کردند. سازمان اداری سیاسی و اقتصادی هخامنشیان، با کمک این منشیان سرمشقی برای دولت‌های بعدی چون دولت مستعجل اسکندر، سلوکیان، رومیان و بعداً اشکانیان و ساسانیان شد. اسکندر مقدونی چنان تحت تأثیر سازمان اداری این دولت قرار گرفته بود که آن را ستود و در نظام آن تغییری به وجود نیاورد. پایتخت‌های بزرگی چون پرسپولیس و شوش، بر افزایشش می‌شد، جز در سایه تدبیر و فرمانروایی شاهان کاردان و اقتصاددانی چون **داریوش**، همکاری و وفاداری ملت‌های زیر دست در رساندن به موفق مالیات و خراج مقرر در ازای حفظ حقوق و امنیت آن‌ها. در این مقاله سعی شده است که به وضعیت خراج در دوره اول امپراتوری پرداخته شود و این که آیا خراج و مالیات در این دوره رواج داشته است یا خیر، همچنین به دوره دوم و بنیانگذاری اصول نظام مالیاتی **داریوش اول** اشاره می‌شود.

عنوان‌های مالیات و خراج

روی سنگ نوشته‌های هخامنشی به کلمه «باجی» بر می‌خوریم که به معنی کلمه مالیات است. کلمه دیگری که در آن زمان به کار می‌رفت، کلمه «خراگ» (xarag) بود. نظر به این که مالیات اصلی را «باز» یا «باجی» (Baji) می‌نامیدند، کلمه خراگ احتمالاً مربوط به هدایا و ارمغان‌ها بوده که مردم و اقوام زیر دست می‌پرداختند. خراگ را با «دورای» (doray) یونانی مطابق می‌دانند؛ با این تفاوت که موعد و مقدار پرداخت آن، در دوران داریوش بزرگ مشخص بوده است.^۱ در لوحه‌های تخت جمشید، بیش‌تر به مأموران و کارمندان مالیاتی، با عنوان «بزیکه‌ره» بر می‌خوریم که به معنای دریافت‌کننده مالیات غله است. پس از آن، به «خراج‌گیرها» بر می‌خوریم که عنوان‌شان ترکیبی از فارسی باستان و عیلامی است. این خراج‌گیرها زیر نظر کارمندان رده بالاتر، در آبادی‌های گوناگون خراج بز و گوسفند می‌گرفته‌اند و می‌توان به آن‌ها «دریافت‌کننده مالیات روستاها» گفت که ترجمه لغت لفظی آن «کوه‌پردازها» می‌شود. پس از آن به عنوان «گیرنده مالیات زمین» بر می‌خوریم که کارشان وصول مالیات جو، روغن، بز و گوسفند بوده است. عنوان برخی از کارمندان نیز گویای نام و مقدار مالیات‌هاست. مثلاً کارمندان «ده یک گیو» که به فارسی باستان «پتیسَه» (patiyasa) نامیده می‌شدند و اغلب در سفر بودند و اسبی نژاده برای «فرنکی» رئیس تشریفات همراه می‌بردند، مالیات‌های وصولی در ساختمان مخصوصی نگهداری می‌شد که به «گنژ» یا «گنج» موسوم بود. ریاست گنجینه را «گنجه‌بره میشت» یا «مَهشت گنجور» بر عهده داشت که عده زیادی کارمند و دبیر به نام «گنجه‌بر دبیر»، در آن خدمت می‌کردند. این سازمان در عهد داریوش اول، صورت رسمی به خود می‌گرفت.^۲

خراج و مالیات در دوران حکومت کوروش بزرگ، کمبوجیه و بردیار گنوماتا

هر پادشاهی برای ادامه حکومت سیاسی، اقتصادی و نظامی خویش، در جهت عمران، آبادی و پیشبرد هدف‌های خود، ناچار به تحمیل مالیات بر اقوام زیر دست بوده است. که در ازای این پرداخت مالیات، دولت مرکزی نیز از امنیت و حقوق آن‌ها دفاع می‌کرد. در شرق باستان، خصوصاً در منطقه بین‌النهرین، دولت‌های سهمگین و قدرتمندی چون بابل و آشور، نوک پیکان حملات و جهانگیری‌های خود را در جهت کسب غنایم، تحمیل خراج و مالیات قرار می‌دادند. با سقوط دولت آشور توسط ماد و بابل، نظام حکومتداری این دولت بزرگ از بین رفت و سرمشتقی برای دولت‌های بعدی خود، از جمله پارسیان شد. پارسیان زمانی حکومت محلی خود را تشکیل دادند که دولت آشور، جهان باستان را زیر ضربه‌های سنگین سربازانش در می‌نوردید، ولی بعد از مدت کوتاهی به طور باور نکردنی، به یکباره وحشت حملات آشوریان به سرزمین‌های اطراف فرو نشت. با حملات مکرر پادشاهان ماد و بابل،

هوخشتره و موبلسر، این دولت با تمام اقتدارش از پای درآمد و مهم‌ترین میراثی را که باقی گذاشت، شیوه حکمرانی و اقتدارمندی‌اش در جهان باستان بود. پارسیان این شیوه حکومتداری را از مادها و بابلیان فرا گرفتند و آن را به صورت نوین و جهانی درآوردند. با فتوحات کوروش بزرگ، حکومت‌های ماد، لیدی و بابل از صفحه روزگار محو شدند تا نشان دهند که باید راه را برای دولتی تازه نفس، با اصول و مفاهیم جدید جهانی باز کنند. فاتح پارسی فرصت چندانی پیدا نکرد تا به امپراتوری نوپای خویش، سازمان و نظم عمیقی بدهد. دست تقدیر، این مسؤولیت را بر عهده کسی گذاشت که در سیاستمداری و حکمرانی، دست کمی از کوروش بزرگ نداشت. این شخص داریوش فرزند و یشتاسپ، نوه آرشامه هخامنشی بود.

هرودوت در کتاب سومش اشاره می‌کند که در پادشاهی کوروش و کمبوجیه، مالیات ثابت رسم نبود. در آمد عمومی فقط از راه هدایا و تقدیمی فراهم می‌شد.^۳ با این حال، هرودوت در جای جای کتابش به طور سر بسته چندین جا به پرداخت خراج در دوران کوروش و کمبوجیه اشاره می‌کند: «پس از تسخیر لیدیا به دست ایرانی‌ها، ایونی‌ها و اثولی‌ها، زود سفیرانی نزد کوروش فرستاده، پیشنهاد کردند، حاضرند با همان شرایطی که از کروزوس اطاعت می‌کردند، با او نیز عهد و قراری بگذارند.»^۴ به احتمال زیاد، منظور از این متن، پرداخت خراج و مالیات است. کتزیاس نیز اشاره می‌کند که کوروش قبل از مرگ، فرزند ارشدش، یعنی کمبوجیه را جانشین خود کرد و پسر کوچکش تانیواکسارک (tanyoxarces) یابردیا را حاکم ایالت شرقی، پارت خوارزم، هیرکانی و باکتیریا کرد. کمبوجیه برادر کوچک را از پرداخت مالیات و عوارض معاف کرد.^۵

هرودوت در جاهای دیگر نیز، به این نکته اشاره دارد

که بعد از فتح بابل، این شهر علاوه بر خراج مرسوم، باید به مدت چهار ماه آذوقه پادشاه و سپاهانش را تأمین کند. وی همچنین اشاره می‌کند که چهار قریه بزرگ در بابل از همه نوع عوارض معاف بودند و وظیفه داشتند که آذوقه حیوانات تری تهم، فرزند ارته باز، ساتراپ بابل را تأمین کنند.^۶

به گزارش هرودوت، با فتح مصر توسط کمبوجیه، مصریان تعهد کردند که باج بدهند و هدایایی تقدیم کنند. ترس مشابهی اهالی کورینه و برقه را ناگزیر ساخت که از کمبوجیه پیروی کنند. کمبوجیه آنچه را که مردم لیبی تقدیم کرده بودند، با نهایت بزرگواری پذیرفت. ولی برعکس، تقدیمی اهالی کورینه را با تحقیر پذیرفت. به نظر هرودوت، علت این تحقیر قلت مبلغ بود؛ چون فقط ۵۰۰ «مینا» (تقریباً دویست لیره) فرستاده بودند.^۸

همچنین هرودوت در جای دیگری از کتابش اشاره می‌کند، بعضی از اقوام که مشمول مالیات نبودند، حصه خود را به صورت هدیه تقدیم می‌کردند. مثلاً اتیوپی‌هایی که همسایه مصر بودند و با لشکرکشی کمبوجیه تابعیت ایران را پذیرفتند یا سکنه کلخیس (کَلشید) و اقوام همسایه

ایشان با مشارکت سایر اهالی قفقاز که حد نهایی امپراتوری بودند، همچنین اعراب که با کمبوجیه پیمان بسته بودند. هدایایی به دربار می فرستادند که عبارت بودند از:

اتیوپی ها: دولیتر، طلا، دویست قطعه چوب آبنوس، بیست قطعه درشت عاج فیل؛ سکنه کلخیس: هر چهار سال یک بار صد غلام و کنیز؛ اعراب: هزار تالان و هر ساله تقریباً بیست و پنج تن کُندر.^۹

بر این اساس، می توان گفت که کمبوجیه و کوروش در پی کسب غنائم بی شماری در نتیجه فتح ماد، لیدی، بابل و مصر به ثروت زیادی دست پیدا کرده بودند که شاید هم این غنائم را کافی می دانستند. ولی باید توجه داشت که هر دو فاتح پارسی، هرگز سازمان اداری و مالی را از نظر دور نداشتند. هر دو به ویژه برای نگهداری ارتش و لشکرکشی های خویش، به وجوه قابل ملاحظه ای نیاز داشتند. کوروش بعد از هر کشورگشایی، گنجینه های پادشاهان مغلوب را به پایتخت خود روانه می کرد. به احتمال فراوان، کمبوجیه نیز به پیروی از شم سیاسی پدر پرداخت. با توجه به گفته های هرودوت می توان گفت که شهرهای یونیه در این زمان نیز، عیناً مانند دوران تسلط لیدی مجبور به پرداخت خراج بودند. در اصل، اساس کار ساده بود؛ تمام اقوامی که فرمانروایی و برتری پارس را پذیرفته بودند، باید هدایا یا خراج ها را به حکومت مرکزی، به صورت جنسی یا فلزات گرانبها می پرداختند. اقداماتی مثل معافیت اقوام حبشی، کلشیدی؛ عرب ها و قوم آریاسپ به خاطر کمک به ارتش کوروش که وی آن ها را نیکی کنندگان نامید، نشان می دهد، در این زمان مالیات، ولو موقت و ناپایدار وجود داشته است.

از طرف دیگر، نامه داریوش به حاکمش گاداتس (Gadates) در لیدی نشان می دهد که بعضی از معبدها، از جمله معبد «آپولو» که در نامه به آن اشاره شده است، طرف توجه فاتحان پارسی بود و از مالیات معاف بودند. در این نامه، داریوش، حاکمش را بر حذر می دارد، از این روی که وی از باغبان های این معبد مالیات گرفته است؛ معبدی که کوروش بزرگ آن را از مالیات معاف کرده بود.^{۱۰}

در مورد بردیا، پسر کوروش نیز همین امر صادق است.^{۱۱} وی در ازای از دست دادن تخت پادشاهی، تنها ایالات شرقی را به دست آورده بود. ایالت شرقی در زمان هخامنشیان، بسیار طرف توجه پادشاهان آن بود. در دوره های بعد از کوروش بزرگ و داریوش بزرگ، می بینیم که تعدادی از شاهزادگان و فرزندان پادشاه به عنوان حاکمان این نواحی گماشته شدند؛ مانند پشتاسپ برادر اردشیر اول (۴۶۵ - ۴۲۴ ق. م) نکته ای را که باید در دوره حکومت کمبوجیه در نظر داشت، لشکرکشی به مصر است. پارسیان برخلاف مصریان، فینیقیان و یونانیان، نیروی دریایی نداشتند. فتح بابل و به دنبال آن فرمانبرداری کشورهای فینیقیه، سوریه و فلسطین در زمان کوروش و کمبوجیه سبب شد که امپراتوری پارس، از یک طرف صاحب نیروی دریایی عظیمی متشکل از فینیقی ها (و بعداً قبرسی ها) و مردم سوریه شود، از طرف دیگر، بتواند

پایگاه مستحکمی در شرق دریای مدیترانه در منطقه فلسطین به دست آورد. با این حال، امپراتوری پارس از خود نه کشتی داشت و نه دریانوردی. در تشکیل نیروی دریایی پارس، کمک شایان و قابل توجه را فینیقی ها بر عهده داشتند. آن ها از همان آغاز، به دلیل رقابت با تجار یونانی، تابعیت دولت جهانی پارس را پذیرفتند. تشکیل نیروی دریایی، تاکتیک بسیار مهمی از طرف فاتح مصر بود. ولی برای این امر مهم، وی به منابع مالی و انسانی فراوانی احتیاج داشت. بنابراین، مجبور بود که این منابع را از اقوام زیردست تأمین کند و شاید یکی از عللی که هرودوت به وی عنوان فرمانروای خودکامه داد، ناشی از همین موضوع بود. وی بر خلاف گفته هرودوت که می گوید پارسیان وی را جبار می دانستند^{۱۲}، باید گفت که این عنوان را احتمالاً اقوام تابع به او داده اند؛ چرا که پارسیان از مالیات معاف بودند (اگر از حیث مالیات فرض کنیم).

نکته مهم دیگری درباره نظام مالیات در دوران کوروش و کمبوجیه اشاره هرودوت به حکومت مغ غاصب، سمردیس است. با غصب حکومت توسط سمردیس (اسم یونانی شده بردیای ایرانی)، هرودوت اشاره می کند که وی در مدت هفت ماه حکومتش، اتباع خود را از مزیت های عمده برخوردار ساخت. مغ تمام ساکنان قلمروی خود را تا سه سال از پرداخت مالیات و انجام خدمات نظامی معاف کرد.^{۱۳}

معافیت از مالیات از طرف غاصب، خواه اقدامی خیرخواهانه بود یا اقدامی عوامفریبانه، نشان می دهد که حداقل در دوره کمبوجیه اقوام زیر دست به پرداخت خراج موظف شده بودند.

از نظر هرودوت، قوم پیش کش دهنده کم تر از قوم خراج دهنده مطیع و وابسته بود. وی ترتیب زمانی تقدیم هدایا را با خراج متفاوت ذکر می کند: هر ساله، برای حبشی ها هر دو سال یک بار و کلشیدی ها هر چهار سال یک بار مکلف به پرداخت بودند. هرودوت همچنین تصریح می کند که لیبی ها و بسرفه ای ها نه تنها برای کمبوجیه هدایای آوردند، بلکه خراجی را که بر خود تحمیل کرده بودند نیز، ارسال می داشتند.^{۱۴}

به اعتقاد داندامایف، پارس ها مجبور به پرداخت مالیات نبودند، اما ظاهراً از دادن مالیات های جنسی معاف نبودند. روش هدیه گر چه حفظ شده بود، اما این روش به هیچ وجه داوطلبانه نبود. در این زمینه نیز مبلغ معینی مقرر شده بود، ولی هدایا برعکس مالیات ها به صورت جنسی پرداخت می شدند.^{۱۵}

میزان پیش کشی داوطلبانه باید به میزان و حدود معینی می رسید. شاید در مورد میزان هدیه، قبلاً با پادشاه مذاکره می شد. احتمالاً اهالی سیرنه، مذاکره لازم را انجام نداده بودند یا هدایای آن ها به حد معین نرسیده بود و همین امر، باعث شد که کمبوجیه آن را تحقیری نسبت به خود بداند. در جریان معافیت سه ساله سمردیس، مشخص نیست که آیا هدایای نیز از پرداخت معاف شده اند یا خیر. ولی معاف شدن آن ها این نکته را از ذهن خطور می دهد که امپراتوری در دوران بسیار کوتاه خود، از سال ۵۵۰ تا ۵۲۲ ق. م، چنان گسترده شده بود که فاتحان قبلی فرصت تأسیس سازمانی دائمی و منسجم برای اصولی کردن و رسمی کردن مالیات، هدایا

و سایر امور امپراتوری را پیدا نکرده بودند. بر اثر نارضایتی مردم از کمبوجیه که داریوش صریحاً به آن اشاره دارد^{۱۶}، احتمالاً غاصب و مشاوران وی به این فکر افتاده بودند که حداقل برای حفظ امپراتوری، نه در جهت فروپاشیدن فتوحات دو فاتح بزرگ، به طور موقت یعنی به مدت سه سال مالیات و سرپازگیری را معلق گذارند تا بتوانند، در کنار رضایت و خشنودی اقوام تابع، به اصلاح نظام خراجگذاری و سازماندهی آن پردازند. احتمالاً این تفکر اصلاحگرانه و شم اقتصادی و سیاسی او، سرمشقی برای داریوش شد تا وی خود را دومین بنیانگذار دولت پارسی معرفی کند. بنابراین، با توجه به گفته‌های ضد و نقیض هرودوت و گفته‌های کتزیاس، می‌توان این طور حدس زد که در دوره کوروش و مخصوصاً کمبوجیه، نظام خراجگذاری و مالیات مرسوم بود؛ با این تفاوت که از دقت لازم برخوردار نبود و احتمالاً موقتی بود و رسمیت زمان داریوش را نداشت.

نظام خراجگذاری در دوران داریوش اول (۵۲۲ - ۴۸۶ ق. م)

هرودوت در تاریخ به ما می‌گوید: «داریوش پس از این که شاه شد، بیست ایالت را در امپراتوری خود تأسیس کرد، آن‌ها را ساتراپی نامید و شهربان‌ها در آن ایالات برگماشت. داریوش برای تمام اقوام و طوایف مالیات مقرر داشت و نواحی همجوار را از جهت همین جریان اداری، تابع مرکز واحدی ساخت. اتباع شاه از جهت عایدات و مخارج، محض تسهیل کار جزو این یا آن ساتراپی شده بودند.»^{۱۷}

هرودوت همچنین اشاره می‌کند که با برقراری مالیات ثابت و مقررات همانند، دیگر این شایعه در میان پارسیان رواج یافته بود که داریوش سودآور است، کمبوجیه جبار و کوروش پدر و حامی اقوام و ملل.^{۱۸} البته این گفته هرودوت نمی‌تواند صحیح باشد، چرا که وی در جای دیگر از کتابش می‌گوید که پارسیان از مالیات معاف بودند^{۱۹}، در حالی که وی مدعی است لقب سودآور (تاجر) را پارسیان به داریوش داده بودند. چگونه پارسیان که از مالیات معاف بودند این به نفع آنان بود، این لقب را به او دادند؟ در واقع باید گفت که این لقب را سایر اقوام دولت پارسی یا یونانیان به داریوش دادند. پس از آن، هرودوت فهرستی از بیست ساتراپ امپراتوری داریوش را با مقدار مالیاتی که به نقره بر طبق واحد تالدن باید می‌پرداختند، به تصویر می‌کشد.^{۲۰} در واقع هرودوت نمی‌خواهد به صراحت بگوید، داریوش اولین کسی بود که به تعیین خراج پرداخت، بلکه او به خصوص می‌خواهد تأکید کند، داریوش اولین کسی بود که

مقدار و میزان خراج و جمع دقیق آن را معلوم کرده است. به نظر هرودوت، درست به همین دلیل است که داریوش آفریننده و بنیانگذار خراج، به آن معنایی است که طبعاً برای یک آتن سده پنجم قابل درک است؛ یعنی سیستمی که در آن، یک سرزمین از طرف قدرت فاتح مکلف است، به مقدار معین بر اساس ارزیابی فلزات گرانبها و محاسبه مشخص، خراج پردازد.^{۲۱} هرودوت فهرستش را از ایالات غربی یعنی در محدوده آسیای صغیر شروع می‌کند. وی به دلیل نزدیکی و ارتباط با آن ایالت‌ها، اطلاعات بیش تری در مورد آن‌ها داشت. بعد از ذکر چندین شهر در آسیای صغیر، وی به طرف جنوب حرکت می‌کند و از خطه عربستان (سوریه، فینیقیه و قبرس) سخن می‌راند و پس از آن، به یکباره به مصر و لیبی اشاره می‌کند. از مصر و لیبی به شرق می‌رود و از ستاگدی‌ها و گذاری‌ها یاد می‌کند. از شرق به شوش کاسیان، از آن جا به اکباتان و ماد و از اینجا به شمال می‌رود و از ولایات خزر نشین صحبت می‌کند. دوباره به شرق برمی‌گردد و از اهالی بلخ نام می‌برد و بعد از آن به غرب به منطقه ارمنستان و دریای سیاه اشاره می‌کند. دوباره از غرب به شرق و جنوب شرقی امپراتوری می‌رود و از سگارتیان، زرنکی‌ها و سکنه خلیج فارس یاد می‌کند. بعد از ذکر ایالات شرقی به هند می‌پردازد و آن را بیستمین ایالت ساتراپی قرار می‌دهد.^{۲۲} چنان که دیده می‌شود، اطلاعات کم تری دارد. اصولاً فهرست وی در هم ریخته و مغشوش است. از هیریکانی‌ها دوبار در دو ساتراپی نام می‌برد.^{۲۳} مأخذ هرودوت در این مورد، یک فرد یونانی بوده که از روی یک فهرست و سند ایرانی ترجمه شده است. بنابراین، نام‌های جغرافیایی استان‌هایی که نزدیک به یونان و یونانیان بوده، در آغاز این فهرست آمده است و گمان می‌رود که فهرست اصلی فارسی باستان با ماد آغاز شده بود.^{۲۴}

داریوش به منظور ساختن پایتخت‌های تازه پرسپولیس و شوش، لشکرکشی‌های دامنه دار نظامی و دیگر نیازهای دربار خود، چاره‌ای نداشت، جز آن که از درآمدهای منظم مالی برخوردار باشد. کوروش، کمبوجیه و بردیا، هیچ یک اداره امور مالی سرزمین امپراتوری را آسان نگرفته بودند و برداشت‌های مالی نیز از عصر داریوش آغاز شده بود. احتمالاً در سال ۵۱۷ و ۵۱۸ ق. م بود که برای نخستین بار بعد از سال ۵۲۲ ق. م، یعنی بعد از پایان معافیت مالیاتی، بردیاری گشوماتا مقرر کرده بود، خراج تازه دریافت کنند. هرودوت که از آسیای صغیر برخاسته است، به وضوح اطلاعات خود را یونانی زده کرده است. جالب توجه است، بر خلاف کتیبه‌های هخامنشی که فهرست خود را از قالب



نیز، معمولاً از انبارهای سلطنتی جیره جنسی دریافت می کردند. خراج و مالیات، به صورت فلزات گرانبها و معمولاً نقره دریافت و برای هزینه های استثنایی ذخیره می شد.^{۳۳} یکی از عیب های بزرگ سیستم مالیات و خراجگذاری داریوش بزرگ این بود که شهریانها حقوق و سهم خود را از ساکنان شهر ب نشین می گرفتند و این خود موجب ظلم و اجحاف آنان نسبت به ساکنان شهر ب نشین می شد. از عیب های دیگری که قبلاً نیز به آن اشاره می شد، این بود که مقدار مالیات مقرر هر شهر ب نشین تا آخر سلطنت هخامنشیان ثابت بود.^{۳۴}

با این حال، باید توجه داشت که داریوش علاوه بر تعیین مبلغ مالیات، این مبلغ را بر اساس نوع محصول تولیدی، مرغوبیت محصول، تنوع آب و هوایی، و میزان محصول دهی زمین زراعی تعیین کرده بود. البته این تمهیدی بود که برای جلوگیری از اجحاف شهریانها به اقوام تابع و دست بردن آن ها در اضافه کردن مقدار مقرر مالیات. داریوش علاوه بر تعیین مقدار مالیات ها، نوع و مقدار هدایایی را تعیین کردند که قبلاً اقوام بر طبق میل خود می آوردند. به همین دلیل، یونانی ها به علت این ابتکار به او لقب کاپه لوس (Kapelos) یا سوداگر را دادند. منظورشان این بود که داریوش از هر راهی پول در می آورد.^{۳۵} به این ترتیب، آنچه از کوروش بزرگ تا داریوش بزرگ دستخوش تغییر و تحول شده است، برقراری خراج برای نخستین بار نبوده است. بلکه بیش تر شرایط وصول آن است که به صورتی بنیادی تغییر یافته است. داریوش در واقع به هر گونه تجارتي می پرداخت. شاید بتوان فرض کرد که اولین تغییر در وصول خراج را کمبوجیه به منظور تسخیر مصر صورت داد، ولی داریوش نخستین کسی بود که برای زمین ارزش قائل شد و ارقام معین و مشخصی را به تناسب این ارزشگذاری تعیین کرد.^{۳۶}

در زمان امپراتوری هخامنشی، وزن ها و مقیاس های مختلفی وجود داشتند. از جمله این وزن ها «پیمانۀ شاه» بود که از زمان بخت النصر، پادشاه بابل وجود داشت. قبل از داریوش در سراسر امپراتوری، وزن های مختلفی بودند که احتمالاً هر ایالت یا کشوری، وزن مخصوص به خود را داشت. ولی در دوران داریوش، این وزن ها و پیمانۀ های معمول و مقیاس های خصوصی برداشته و تنها پیمانۀ شاه به رسمیت شناخته شد. علاوه بر پیمانۀ شاه، از وزن های دیگر، «ارش شاه» بود. این ارش خط کشی از جنس آهنک سپاه، به درازای هیجده اینچ بود که نام داریوش بر روی آن حک شده بود. علاوه بر این ها «کرشه» نیز مورد استفاده قرار می گرفت. هر کرشه برابر با ۱۱ کیلوست. کوچک ترین وزن «هلور» (حبه) بود. ده هلور، یک «چارک»، چهارچارک یک «شکل» (شه کل یا شاقل) و ده شکل یک کرشه می شد.^{۳۷}

علاوه بر این، داریوش برای رونق امر تجارت و بازرگانی، به منظور آسان کردن داد و ستد سکه «دریک» ضرب کرد که ۹۸ درصد «زرناب» بود. سایر سکه ها بر اساس «سکه شاهی» (دریک) سنجیده می شد و فقط پادشاه بزرگ حق ضرب سکه طلا را داشت. به منظور افزایش و رونق

امپراتوری شروع می کنند، او از ایالت یونیه آغاز کرده است.^{۳۵} باید گفت که در فهرست داریوش در بیستون، مقام اول را پارس دارد و این نشان می دهد که این فهرست مالیاتی نیست. آخرین آن یعنی بیست و سومین آن «مکاد» (مکه) است. فهرست شهر ب ماد در بیستون از مرکز امپراتوری شروع می شود. از ایرادهای وارد بر هرودوت این است که او تمام امپراتوری ایران را در فهرست شهر ب نشین های خود نگنجانده است، در صورتی که این فهرست تقسیم بندی را به دوران داریوش اول نسبت می دهد. احتمالاً بعضی از اطلاعات هرودوت به دوران های بعدی تعلق دارد که در طول آن اسنادی را گردآوری کرده و بررسی های خود را به رشته تحریر در آورده است. مثلاً هند بعد از تصرف آن توسط داریوش در نظام خراجگذاری قرار می گرفت،^{۳۶} ولی هرودوت آن را مربوط به دورانی می داند که داریوش بلافاصله بر تخت پادشاهی نشست. فهرست اقوام و ملت ها در کتیبه های داریوش در شوش به غیر از پارس، به بیست و هشت ساتراپی می رسد. ماد، در صدر فهرست و کوکا (کاریه) در رده ۲۸ فهرست قرار دارد.^{۳۷} در کتیبه کانال سوئز، پارس دوباره در فهرست ساتراپی ها در مقام اول و هند در مقام آخر قرار دارد.^{۳۸} در نقش رستم، باز ایالات پارسی از سایر ایالت جدا شده و به غیر از این ایالت، بیست و نه ایالت فهرست شده است.^{۳۹} در فهرست خشایارشا در تخت جمشید نیز پارس به حساب نیامده و بدون این ایالت، ۳۰ ایالت در فهرست آمده است.^{۴۰}

در واقع متون کلاسیک، از وزن و اهمیت خراج هخامنشی دو تصویر متضاد و متناقض می دهند. بعضی از تعادل و میانه روی داریوش در خراجگیری گفت و گو کرده اند و برخی دیگر که در اکثریتند، سنگینی غیر قابل تحمل این خراج ها را منعکس کرده اند. این گفته ها از پادشاه دو صورت می سازند: فردی عادل و مهربان، و فردی تاجر و کاسبکار. باید گفت که سازمان خراجگذاری در طول زمان، دچار تحول مهمی و اساسی نشده است؛ هر چند که شاه هر لحظه می توانست خراج های تازه ای برقرار کند. می توان فرض کرد که فقط در مورد میزان و مجموع خراج تصمیم هایی صورت گرفته است.^{۴۱} به اعتقاد داندامایف نیز، مالیات های مقرر بر یک ملک، در طی سال ها تغییر نمی کرد.^{۴۲}

شیوه گردآوری مالیات

جمع آوری مالیات و خراج مقرر بر عهده ساتراپ یا شهریان هر ایالت بود. پایتخت یا مرکز هر ساتراپی به منزله نمونه کوچک تر مراکز سلطنتی بود که مالیات ها یا خراج های ولایات در آن جا گرد می آمد و انبار می شد. بخشی از آن را به مرکز می فرستادند. مقدار از خراج باقی مانده در ساتراپی، منابع و احتیاجات همان ساتراپی و مأموران زیر دست آن را تأمین می کرد. بعضی خراج ها جنسی بودند و می توانستند مستقیماً برای تغذیه و حفظ پادگان های محلی استفاده شوند. مثلاً، سربازان درالفانین مجاز بودند که برای معاش و تغذیه خود و خانواده هایشان، از انبار ایالتی سهمیه و جیره دریافت کنند. کارگران منطقه تخت جمشید

داد و ستدهای بازرگانی و تجاری در امپراتوری، سکه‌های متفاوتی وجود داشتند: سکه ساتراپ‌ها، سکه ایالتی یا تصویر شاهنشاه، سکه‌های محلی. پرداخت مالیات به نقره بود و طلا به دولت تعلق داشت. ساتراپ‌ها در زمان لشکرکشی‌ها، برای پرداخت حقوق سربازان در شهرهایی مثل فینیقیه و کلیکیه و بعضی شهرهای تجاری دیگر، سکه‌های نقره و مس ضرب می‌کردند. شمش‌های طلا که در گنجینه ذخیره می‌شدند، فقط زمانی به صورت سکه ضرب می‌شدند که پادشاه دستور می‌داد.^{۳۸}

هدایا و خراج (اقوام هدیه دهنده و خراج دهنده)

پیش از این به گزارش هرودوت در مورد هدیه دهندگان (عرب‌ها، کلشیدی‌ها و حبشی‌ها) اشاره شد. هرودوت ایشان را از سایر اقوامی که در آن سوی مرزها می‌زیستند، جدا می‌کند. تفاوتی که می‌توان بین اقوام هدیه دهنده با اقوام خراج دهنده قائل شد این است که آن‌ها (هدیه دهندگان) خودشان بر خودشان خراج بسته بودند؛ به این معنی که مقدار خراج اساساً آردی و به میل خودشان معین شده بود. اما تردیدی نیست که مقدار پیشکشی ایشان بر اساس تمایلات شاه معین می‌شد. تفاوت دیگر این است که این پرداخت، به نسبت اقوام هدیه دهنده متفاوت بود؛ یکی هر ساله، یکی دو ساله و دیگری هر چهار سال یک بار. دیگر این که پرداخت آن‌ها با تالان نقره ارزیابی نمی‌شد، بلکه بر اساس تولید ناخالص بودند. از این نظر باید گفت که این اقوام واقعاً موظف به پرداخت خراج نشده بودند و سازمان اداری هخامنشی، زنبیل یا سبد دریافت مالیات برای آن‌ها تعیین نکرده بود، بلکه فقط از آن‌ها پیشکش می‌خواست. می‌توان فرض کرد که این اقوام، هدیه‌های خود را بدون واسطه ساتراپ، به دربار مرکزی می‌آوردند.^{۳۹}

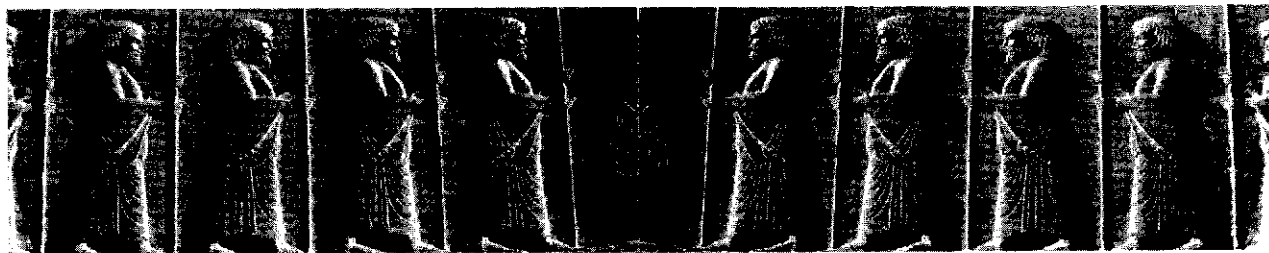
اقوام خراجگذار علاوه بر خراج، هدایایی را نیز به دربار می‌فرستادند. هر قوم سعی می‌کرد، برای این که در دربار بی‌اعتبار نشود، بهترین محصول و فراورده خود را به عنوان هدیه بفرستد. این امر در مناطق حاشیه‌ای و مرزی مشهودتر است. مثلاً هندی‌ها علاوه بر خراج، حیوان، لباس، عطر و غیره می‌فرستادند و سایر اقوام نیز به همین ترتیب عمل می‌کردند. اما معلوم شده است، پیشکش کردن تحفه، رسمی جاری و عمومی بود که حتی افراد خصوصی نیز به آن مبادرت می‌کردند. شاید اولین وظیفه یکی از ساختمان‌های پرسپولیس، یعنی خزانه داری یا گنجینه شاهی، همین گردآوری هدایای گران قیمت بوده است.^{۴۰} این مطلب نیز

روشن شده است که سرپیچی از تقدیم هدایا، به همان صورت مشمول مجازات واقع می‌شد که کوتاهی در پرداخت خراج. همین امر باعث شده است که مؤلفان کلاسیک، خراج و هدیه را یکی بدانند. مثلاً در نظر کتزیاس، محصولات خوراکی که برای سفره شاهانه ارسال می‌شد، در ردیف خراج قرار می‌گرفت، حال آن که این پرداخت را باید در ردیف عوارض قرار داد.^{۴۱}

به این نکته نیز باید توجه داشت که روابط شاه با پارسیان، قابل تطبیق با روابط عرب‌ها، حبشی‌ها و کلشیدی‌ها با قدرت سربار مرکزی (شاه) نبوده است. وقتی شاه به پرسپولیس می‌آمد، شخصاً تحفه‌های بسیار به پارسیان می‌داد. به گفته دیگر، دهقانان به ازای هدیه‌ای که به شاه می‌دادند، از او هدیه‌ای دریافت می‌کردند. به عبارت دیگر، پارسیان وقتی به شاه هدیه می‌دادند که در برابر آن نیز هدیه دریافت می‌کردند. در حالی که سایر اقوام این گونه نبودند. هرودوت از این نظر، پارس را از اقوام خراجگذار و هدیه دهنده جدا می‌کند. اقوام هدیه دهنده نیز، باید مانند اقوام خراجگذار هدایای خود را به ترتیب و به طور مرتب می‌پرداختند. یک جمله از کتاب «آرین» این گونه است: «تمام این پرداخت‌ها را به نام هدیه موسوم می‌کنند و شاه نیز به همین نظر بر آن‌ها می‌نگرد. «بنابراین، آنچه میان یک هدیه و یک پرداخت مالیاتی تفاوت ایجاد می‌کند، نه جنس و طبیعت تحفه، نه مجموعه مالیات قابل پرداخت و نه زمان ادواری دریافت مالیات است، بلکه ملاک تشخیص و برآورد شاهانه است. این برآورد و تشخیص نیز بر یک قاعده و رسم استوار است که همه کس از آن آگاهی دارد و هیچ کس را از آن گریزی نیست. بر شاه و از اختیارات اوست که یک پرداخت اجباری را هدیه تلقی کند و در نتیجه، دهنده هدیه را نیکوکار بشناسد. به طور خلاصه و در یک نتیجه گیری کلی، خراج‌ها، هدیه‌ها و دیگر پرداخت‌های اقوام، همگی سهم خود را در گردش عمومی و کلی یک نظام خراجگذاری ادا می‌کنند و باید اصطلاح خراج را به معنای اصل و ریشه آن نگریم.^{۴۲}

مالیاتی‌هایی که شاه علاوه بر مالیات مقرر می‌گرفت، عبارت بودند از:

۱. مالیات و عوارض گمرکی: پست‌های مهم گمرکی در سراسر امپراتوری وجود داشتند که بر ورود و خروج کالاها نظارت می‌کردند. این پست‌های گمرکی در شهرهای مهم مرزی و در شمال غربی امپراتوری، در ساتراپی‌هایی مانند کیدوارس در مرز لیدی و کاریه و غیره بودند. در



مورد این کالاها، مالیات را بر اساس ارزش کالا هنگام ورود و خروج تعیین و وصول می کردند و به خزانه داری شاهی می ریختند.

۲. برداشت های مالیاتی شاه به شکل های دیگری هم بود؛ از جمله هزار تالان کندر اعراب که در اصل آن را به عنوان خراج یا مالیاتی می گرفتند و امپراتوری از سودهای تجارتي حاصل از مبادلات کالا میان فلسطین و عربستان برداشت می کرده است: مبلغی بابت صید ماهی در دریاچه موتویس در مصر، ۳۶۰ اسب سفید، روزی یک اسب (در یک سال) از کلیکی ها، منافعی که از مکان های تجارتي به دست می آوردند، مالیات های زمین و بازار، عوارض رمه ها، مالیاتی که بر اشخاص بسته می شد و آن را مالیات فردی و عوارض پیشه وران می نامیدند. شاه همچنین عوارضی را مبنی بر ورود و خروج کالاهاى تجاری مانند گندم، میوه، گوسفند و غیره می گرفت. وی همچنین درآمد و عایداتی را از مالیات بر معادن به دست می آورد.^{۲۳}

نقش های برجسته هیأت های نمایندگی ملت های امپراتوری در تخت جمشید

یکی از بحث های اصولی میان محققان و دانشمندان، مبحث نقش های برجسته در تخت جمشید است. در میان دانشمندان، این که این نقش ها چه چیزی را می رسانند، اتفاق نظری وجود ندارد. عده ای از ایران شناسان، آن ها را آورنده باج و مالیات دانسته اند و برخی دیگر، تقدیم کنندگان نوروزی پنداشته اند. احتشام در کتاب «ایران در زمان هخامنشیان» معتقد است که این نقش ها، نه معرف آورندگان باج است و نه تقدیم کنندگان هدایا. در واقع، از لباس ها و ساز و برگ این نقش ها، می توان دریافت که آن ها نمایندگان سرزمین های متفاوت و گوناگون شاهنشاهی ایران هستند. هر یک از آن ها متاع و کالایی مختص کشور



خویش، مانند: حیوانات، پارچه، ظرف های متنوع همراه خود دارند. این نقش ها و تصویرها، محصول کشورهای گوناگون و سرزمین های پهناور ایران را به اعقاب و سلاطین خلف می شناسانند. در واقع این نقش ها، نماینده عظمت ایران از نظر پهناوری است و قرینه آن، تخت داریوش است که توسط ۲۳ نماینده از ۲۳ کشور حمل می شود، بدون این که در هیچ زمانی تخت سلطنت بر دوش کسی حمل شده باشد^{۲۴}

گروندوالرز معتقد است، این نقش ها مربوط به هدایایی است که نمایندگان سرزمین های شاهنشاهی به مناسبت عید نوروز به پادشاه تقدیم می کردند و از بهترین محصول و فراورده های کشورهای خودشان بوده است.^{۲۵}

بعضی از محققان نیز معتقدند که تخت جمشید پایتخت اداری هخامنشی نبود، بلکه محل برگزاری آئین نوروز به شمار می رفت.^{۲۶} در واقع می توان گفت که این نقش ها، آورندگان باج را نشان نمی دهند، زیرا نمی توان به راحتی قبول کرد که مادی ها باج هایشان کوزه، پیاله، حلقه بازو و حیوان بوده است یا عیلامی ها، تنها دو کمان و شیر ماده با دو بچه هایش را به عنوان باج آورده باشند. بنابراین، نقش ها را باید همان هدیه آورندگان بر شمرده که احتمالاً در زمان های جشن، مانند جشن نوروز و جشن مهرگان، هدایای خود را تقدیم می کردند. در نقش برجسته های پلکان، ۲۳ هیأت نمایندگی تصویر شده اند که مهم ترین هیأت های نمایندگی پیشاپیش قرار دارند.

هخامنشیان. ص ۱۴۶.
۲۴. شاهپور شهبازی، علیرضا. جهاننداری داریوش بزرگ. شیراز. انتشارات دانشگاه پهلوی. چاپ اول. ۱۳۵۰. ص ۱۰۷.
۲۵. بریان، پیر. همان. ص ۸۱۶.
۲۶. همان. ص ۸۱۷.
۲۷. گروندوالرز. نقوش اقوام شاهنشاهی هخامنشی بنابر حجاری های تخت جمشید. ترجمه دورا سمودا خوب نظر با همکاری ع. شاهپور شهبازی. شیراز. انتشارات دانشگاه پهلوی. چاپ اول. ۱۳۵۴. ص ۵۲.
۲۸. همان. ص ۵۲.
۲۹. رالف، نورمن. شارپ. فرمان های شاهنشاهان هخامنشی. نشر شورای مرکزی شاهنشاهی. چاپ اول. ۱۳۴۶. نقش رستم بند ۳. ص ۸۵.
۳۰. گروندوالرز. همان. ص ۵۷.
۳۱. بریان، پیر. همان. ص ۸۱۱-۸۱۰.
۳۲. م. آ. داندامایف. همان. ص ۳۷.
۳۳. کورت، آملی. هخامنشیان. ترجمه مرتضی

زیرنویس
۱. احتشام، مرتضی. ایران در زمان هخامنشیان. تهران. نشر شرکت سهامی کتاب های جیبی. چاپ اول. ۲۵۳۵. ص ۱۱۲.
۲. هاید، ماری کچ. از زبان داریوش. ترجمه پرویز رجبی. تهران. نشر کارنگ. چاپ پنجم. ۱۳۷۹. ص ۷۰.
۳. احتشام، مرتضی. همان. ص ۱۱۲.
۴. هرودوت. تواریخ. ترجمه ع. وحید مازندرانی. تهران. نشر دنیای کتاب. چاپ دوم. ۱۳۶۸. ص ۲۲۳.
۵. همان. ص ۷۷.
۶. فوتیوس، خلاصه تاریخ کنفریاس از کوروش تا اردشیر دوم معروف به خلاصه فوتیوس. ترجمه کامیاب خلیلی. تهران. نشر کارنگ. چاپ اول. ۱۳۷۹. ص ۴۰.
۷. هرودوت. همان. ص ۹۴.
۸. همان. ص ۱۹۶.
۹. همان. ص ۲۲۵.
۱۰. persia. Robert Burn. Andrew.